

بررسی نقش «تمرکز» و «رسمیت» در ساختار نظام آموزشی بر تربیت دینی دانش آموزان

بر مبنای دیدگاه‌های دبیران درس «دین و زندگی»^۱

حسن اسلامیان^۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، تعیین نقش دو عامل «تمرکز» و «رسمیت» در ساختار نظام آموزشی بر تربیت دینی دانش‌آموزان از منظر دبیران درس دین و زندگی است که با روش کیفی و رویکرد پدیدارشناسی انجام شده است. جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی دبیران درس دین و زندگی مقطع متوسطه شهرستان بهشهر استان مازندران در سال تحصیلی ۹۶-۱۳۹۵ است که ۲۱ دبیر با روش نمونه‌گیری هدفمند به‌عنوان نمونه آماری انتخاب شده‌اند. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش ۷ مرحله‌ای «کلایزی» استفاده شده است. نتایج پژوهش حاکی از آن است که از دیدگاه دبیران، مهمترین آسیب‌های تربیت دینی در نظام آموزشی، ناظر بر عدم کاربست روش‌های فعال تدریس، ضعف در گزینش و استخدام معلمان، نداشتن صلاحیت کافی از سوی برخی دبیران، فقدان سیستم نظارتی بر تربیت دینی و توجه نداشتن به تفاوت‌های منطقه‌ای و محلی است. به باور دبیران، مواردی نظیر استفاده از منابع کمک‌آموزشی در تدریس دروس دینی، برگزاری کلاس‌های فوق برنامه، تأکید بر کیفیت یادگیری و استفاده از روحانیون و مبلغان دینی در فرایند تربیتی دانش‌آموزان، مهمترین راهکارهای کاهش رسمیت در برنامه درسی تربیت دینی است و همچنین اهم راهکارهای کاهش تمرکز، ناظر بر اعطای اختیارات بیشتر به مسئولان نواحی و استان‌ها، اصلاح محتوا و روش‌های تدریس، آزادی عمل دبیران در انتخاب محتوا، نبود یک‌جانبه‌نگری، ابتکار عمل بیشتر مدیران و معلمان و مشارکت والدین و فراگیران در برنامه‌ریزی درسی تربیت دینی است. ضروری است بسترهای لازم توسط مسئولان برای کاهش تمرکز و رسمیت در راستای اثربخشی اهداف تربیت دینی فراهم شود.

واژگان کلیدی: ساختار نظام آموزشی، تربیت دینی، تمرکز، رسمیت

۱- تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۶/۱۰/۰۷؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۳/۱۲.

eslamian.1362@yahoo.com

۲- دانش‌آموخته دکتری برنامه‌ریزی درسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

بیان مسئله

از دیرباز اساس دغدغه فکری انسان، موضوع تعلیم و تربیت و روش‌های دستیابی به آن بوده و همواره در تمامی ادوار این امر توجه آدمی را به خود معطوف کرده است. اهمیت این موضوع تا به آن حد است که پیامبران و اولیای آن‌ها به‌عنوان هادیان جوامع، همواره سرچشمه رستگاری و سعادت بشر را در این عرصه جست‌وجو کرده‌اند؛ چنانچه در قرآن کریم، پیامبر ﷺ به‌عنوان معلم و مربی بشر معرفی شده است.

از یک طرف اساساً حفظ دین به‌عنوان زیربنای اعتقادی جامعه و تداوم فرهنگ، مستلزم توجه به کیفیت تعلیم و تربیت است؛ چرا که تعلیم و تربیت واقعی و همه‌جانبه انسان زمانی حاصل می‌شود که آدمی مطابق دستورهای دینی در زندگی رفتار کند (کشاورز، ۱۳۸۷).

درواقع توجه به تعلیم و تربیت دینی در عرصه تربیت، ضرورتی انکارناپذیر است. هرچند در جامعه ما نیز چنین ضرورتی به‌عنوان وظیفه اصلی و مهم آموزش پرورش مورد پذیرش قرار دارد، اما نتایج پژوهش‌های متعددی که در کشورمان صورت گرفته حاکی از آن است که نقص‌ها و ضعف‌هایی در زمینه تربیت دینی وجود دارد و نظام آموزش و پرورش در رسالت خطیر خود در زمینه تربیت دینی چندان موفق نبوده است.

در سال‌های اخیر صاحب‌نظران متعددی با توجه به تلاش‌های گوناگون انجام شده در حوزه تربیت دینی در درون نظام آموزش و پرورش از یک سو و نبود توفیق‌های مکرر این نظام در تربیت دانش‌آموزان - در حد مورد انتظار - به این باور رسیده‌اند که نکته، ضعف اساسی در محتوای آرایه شده و حتی روش‌های متخذه تدریس نیست و نمی‌توان با تغییر اینگونه امور، امید چندانی به نیل به اهداف تربیت دینی و اخلاقی داشت؛ بلکه با توجه به پیشینه نظام‌های رسمی آموزشی و بافت سیاسی، اجتماعی و انگیزشی این نظام‌ها، مشکل را باید در ماهیت ساختار نظام رسمی جست‌وجو کرد.

براساس متون برنامه‌ریزی آموزشی نظیر محسن‌پور (۱۳۸۱) و مشایخ (۱۳۸۷)، در کلی‌ترین تقسیم‌بندی، آموزش و پرورش به ۳ نوع آموزش «رسمی»، «نیمه‌رسمی»^۲ و «غیررسمی»^۳ تقسیم شده است. آموزش رسمی یا مدرسه‌ای شامل آن قسمت از نظام آموزشی است که از کودکان شروع شده و تا آموزش عالی ادامه می‌یابد. این نوع آموزش سازمان‌یافته و دارای ساختاری مشخص

1- Formal

2- Non-formal

3- In-formal

است. آموزش رسمی فرایندی است که طی آن، هم آموزش‌دهنده و هم آموزش‌گیرنده نسبت به فرایند آموزش آگاه هستند. آموزش نیمه‌رسمی به هر نوع فعالیت آموزش و کارآموزی اطلاق می‌شود که در خارج از نظام آموزشی مانند دوره‌های آموزشی کوتاه‌مدت در زمینه‌های عقیدتی، سوادآموزی، مهارت‌های حرفه‌ای و فنی و... تحقق می‌پذیرد. آموزش غیررسمی نیز به تمامی آموزش‌های رسانه‌ای و اجتماعی خانوادگی اطلاق می‌شود که بدون اتخاذ ساختار و مدرک تحصیلی و گواهی‌نامه انجام می‌شود.

در نظام جمهوری اسلامی ایران به دلیل ضرورت پوشش هماهنگ همه مخاطبان و برخی دلایل دیگر، از میان سه رویکرد بالا، شیوه کلی آموزش و پرورش رسمی برای تربیت دینی به‌عنوان رویکرد اصلی اتخاذ شده است. اما بررسی کارنامه عملکرد نظام آموزش و پرورش ایران در سال‌های پس از انقلاب اسلامی که جدیت و همت قابل ملاحظه‌ای برای توجه به این ساحت از تربیت در آن مشاهده می‌شود، از نبود توفیق نسبی در دستیابی به اهداف طرح شده در این زمینه حکایت دارد. پژوهش‌های انجام شده برخی محققان از جمله سعیدی رضوانی، باغلی و امین‌خندقی (۱۳۸۶) در این زمینه به روشنی گویای این مهم است که نظام آموزش و پرورش در تحول عملکرد دینی مخاطبان خود توفیق چندانی نداشته است.

پژوهش‌های انجام گرفته و دیدگاه‌های مطرح شده در زمینه آسیب‌شناسی تربیت دینی حکایت از آن دارد که رسمیت و تمرکز به‌عنوان دو معضل باعث دشواری‌هایی در تربیت دینی می‌شوند. سعیدی رضوانی و بینقی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی» ضمن برجسته‌سازی دشواری‌های موجود در نظام رسمی از یک سو و بررسی تحقیقات انجام شده در خصوص اثرپذیری دینی از سوی دیگر، نشان می‌دهند که رسمی بودن نظام آموزش و پرورش مانعی جدی بر سر راه تربیت دینی به حساب می‌آید. همت بناری (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با نام «نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوان و جوانان» عوامل آسیب‌زا را به دو دسته «عوامل خارج از نظام آموزش و پرورش» و «عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش» دسته‌بندی می‌کند. او عوامل آسیب‌زای نظام آموزش و پرورش را در شش مقوله دسته‌بندی کرده و نشان می‌دهد که اکثر آن‌ها ناشی از رسمی بودن این نظام است» (ص ۷).

عصاره (۱۳۸۲) تفکیک «آموزش» و «پرورش» را یک آسیب اساسی معرفی کرده و در توضیح آن چنین بیان می‌کند: «در نظام رسمی آموزش و پرورش، «آموزش» مترادف با کسب معلومات و دانستنی‌های مورد نیاز، به حافظه سپردن آن‌ها و ارزشیابی از محفوظات، با نام «امتحانات» و

به‌عنوان حاصل نهایی نظام آموزشی و تربیتی بوده و پرورش نیز به‌عنوان کسب رفتارهای متناسب با ارزش‌ها و عقاید و اخلاق پذیرفته شده اجتماعی استنباط شده است.»

براساس پژوهش لطف‌آبادی (۱۳۸۲)، ۴۵ درصد از جوانان از روابط اولیای مدرسه با دانش‌آموزان ناراضی هستند. یک اکثریت عظیم ۷۷ درصدی از جوانان مراکز استان‌های کشور اظهار می‌دارند که یادگیری‌های دانش‌آموزان در مدرسه از نوع حفظیاتی است که پس از مدت کوتاهی فراموش می‌شود. در مقوله‌هایی چون تقویت هویت دینی و تقویت هویت ملی نیز میزان ناراضی‌توان جوانان از مدرسه ۶۵ درصد است که این درصد بالا نشان از عملکرد ضعیف مدارس در این موارد دارد.

اسکندری (۱۳۸۳) نیز بر حضور مخاطب در صحنه‌های واقعی زندگی و کسب تجارب عملی به‌جای حضور در محیط‌های کلیشه‌ای نظام رسمی تأکید می‌کند. وی معتقد است که طرز رفتار و نگرش افراد بیش از آنکه متأثر از آموزش مستقیم و رسمی باشد، تابع حضور رودررو در موقعیت‌ها و شرایط عینی است؛ یعنی شرایطی که امکان بروز عملی را فراهم کرده و اثربخش بودن و مفید بودن عمل را در شرایط عینی نشان می‌دهند. در این موقعیت، احساس‌ها با اعمال گره خورده، طعم تلخ و شیرین تجارب ذائقه آدمی را همیشه تازه نگه می‌دارد و خاطره ماندگاری را در ذهن به جا می‌گذارد.

به‌همین ترتیب نتایج پژوهش سعیدی رضوانی، باغگلی و امین خندقی (۱۳۸۶)، رسمی بودن را به‌عنوان یکی از ضعف‌های نظام آموزش و پرورش در مسیر تحقق هدف‌های تربیت دینی و اخلاقی معرفی می‌کند. بررسی دیدگاه متفکران یاد شده در خصوص رسمیت نظام آموزش و پرورش، حکایت از این مهم دارد که این گروه از متفکران، رسمیت را مانعی بر سر راه تربیت دینی تلقی می‌کنند.

از سوی دیگر، تمرکز به‌عنوان دومین معضل نظام آموزش و پرورش که منجر به چالش در دستیابی این نظام به هدف‌های تربیت دینی و اخلاقی آن می‌شود، مورد توجه و انتقاد صاحب‌نظران زیادی قرار گرفته است. از وجود تمرکز یا نبود آن در برنامه‌ریزی درسی تعبیر مختلفی شده است. در این‌جا منظور از تمرکز ارائه محتوای یکسان برای تمام دانش‌آموزان در تربیت دینی و اخلاقی است. به‌عنوان مثال، کتاب درسی دینی و کتاب درسی قرآن در سراسر کشور برای تمام دانش‌آموزان ایرانی به صورت واحد و مشابه است. در صورتی که مسلماً پیشینه‌های خانوادگی و فرهنگی در ایران بسیار متنوع است. به‌این ترتیب چگونه می‌توان متن درسی را (به‌ویژه در درس دینی) یافت که برای گروهی از افراد آثار منفی و پیامدهای ناگوار بر جای نگذارد؟

صاحب‌نظران تربیت اسلامی نیز به‌طور مستقیم و غیرمستقیم به آموزش‌های دینی گروهی (به‌صورت در کنار هم قرار دادن افراد ناهمسو) و تحت پوشش قرار دادن مخاطبان تربیت دینی و

اخلاقی با محتوا و روش یکسان انتقاد می‌کنند. به‌عنوان نمونه برخی از نظرات صاحب‌نظران در ذیل مطرح می‌شود:

عبدالعظیم کریمی (۱۳۸۰) در مقاله‌ای با عنوان «دین‌دهی یا دین‌یابی» شیوه اکتشافی را جایگزینی برای شیوه اکتسابی در تربیت دینی معرفی کرده و معتقد است باید فرایند دین‌یابی را در بستر تجربه باطنی تبیین کرد. او با این پیش‌فرض که علم توحید و حس خداجویی به‌طور طبیعی و فطری در درون افراد وجود دارد، انسان متدین را فردی نمی‌داند که به‌دنبال کسب کردن این امور باشد؛ بلکه فردی می‌داند که کشف‌کننده این امور در درون خود است. سعیدی رضوانی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «ضرورت تمرکززدایی در قلمرو تربیت دینی و اخلاقی» با تذکر به ضرورت توجه و سطوح تفکر، روحیات، طرز تلقی‌ها، باورها و ارزش‌ها برای سنجش نیازهای آموزشی و روان‌شناختی مخاطبان، معتقد است که در آموزش‌های مربوط به تربیت دینی و اخلاقی ضروری است این التفات با دقت و تأکید بیشتری انجام شود. او بر این باور است که نظام متمرکز در توجه به موارد یاد شده قابلیت کمتری دارد و بنابراین ضرورت حرکت به سوی تمرکززدایی در تربیت دینی و اخلاقی را معنادار تلقی می‌کند.

صفایی حایری (۱۳۷۹) می‌نویسد: «باید در به کار بردن آیه‌ها، روحیه‌ها را در نظر گرفت و حالت‌ها را شناخت. وگرنه طنز و تمسخر پیش می‌آید و همین است که راه‌رفته‌ها با خواندن آیه‌ای دل را می‌گرفتند و به راه می‌کشیدند و ما با خواندن قرآن به راه نمی‌آییم و گمراه‌تر می‌شویم». وی همچنین معتقد است که در هر جامعه‌ای یک گروه اقلیت و یک گروه اکثریت وجود دارد و گروه اکثریت همیشه تابع گروه اقلیت نخبه است؛ پس برای ساخت یک جامعه رفتن به سراغ اکثریت اشتباه است؛ بلکه در این موقعیت چاره‌ای جز کار کردن با افراد مستعد نیست و باید با همدستی آن‌ها به سراغ دیگران رفت.

صاحب‌نظران تربیت اسلامی براساس بینشی که عمدتاً مستند به روایات است و به اتکای تجارب فردی و تجارب پژوهشی نظیر (سعیدی‌رضوانی، ۱۳۸۰)، به‌شدت بر فردی شدن آموزش و حتی انتخاب آیات و روایات براساس ظرفیت‌های مختلف افراد گوناگون تأکید کرده‌اند.

اما واقعاً چگونه می‌توان با محتوای واحد درسی به این مهم دست یافت؟ متأسفانه فرایند تربیت دینی و اخلاقی موجود با آنچه صاحب‌نظران این حیطه بر آن تأکید کرده‌اند، فاصله زیادی دارد. واقعیت این است که آموزش‌های دینی و اخلاقی در نظام آموزش و پرورش کشورمان نه تنها جنبه فردی ندارد، بلکه از توجه به خرده‌فرهنگ‌های کشور نیز غفلت ورزیده است.

باتوجه به مطالب ذکر شده، پیش فرض‌های مطرح شده در تعیین نظری مسئله مقاله حاضر عبارتند

از:

۱- در طول سه دهه گذشته آرمان تربیت دینی و اخلاقی از اصلی‌ترین آرمان‌های کشور بوده و در جمهوری اسلامی ایران رویکرد استفاده از نظام آموزش و پرورش رسمی، به‌عنوان رویکرد اصلی و عمده پذیرفته شده است.

۲- نظام آموزش و پرورش رسمی در تربیت دینی و اخلاقی چندان موفق نبوده است.

۳- رسمیت و تمرکز عمده‌ترین موانع تحقق اهداف تربیت دینی و اخلاقی در نظام آموزش و

پرورش رسمی هستند.

۴- به احتمال زیاد دست‌کم در کوتاه‌مدت - یا حتی میان‌مدت - نمی‌توان با رویکردهای غیررسمی، به پوشش خیل عظیم نوجوانان کشور برای تربیت دینی امیدوار بود. بنابراین - تقریباً - تکیه به نظام آموزش و پرورش رسمی به‌عنوان اصلی‌ترین رویکرد، اجتناب‌ناپذیر است.

اگر چهار فرض ذکر شده پذیرفته شود، به‌ناچار باید به اصلاح اساسی نظام آموزش و پرورش یعنی رسمیت‌زدایی و تمرکززدایی - در حد امکان - پردازیم. توضیح بیشتر آنکه در طول سال‌های پس از انقلاب تلاش‌های زیادی برای اصلاح محتوای کتاب‌های دینی دوره متوسطه - و نیز سایر دوره‌ها یا تغییرات اصلاحی روبنایی دیگر در امور تربیتی - بسط و قبض مأموریت‌ها و شرح وظایف - انجام شده است؛ اما دستاوردها طبق شواهد تحقیقاتی ناچیز هستند.

اینک چالش اساسی میان پژوهشگران عرصه تربیت دینی و اخلاقی این است که باز هم به اصلاحات محتوایی و روشی برنامه درسی نظیر تغییر کتاب‌ها یا نوآوری در روش‌های تدریس ادامه دهیم یا به فکر تحولات بنیادین در ساختار نظام برای شکستن رسمیت و تمرکز برآییم. براساس پیشینه تجربی و تحقیقات موجود روشن است که در نظام آموزش و پرورش می‌توان رسمیت و تمرکز را به‌عنوان دو معضل اساسی و موانع ساختاری بر سر راه تربیت دینی و اخلاقی قلمداد کرد. اما باید دید آیا زمینه چنین تغییری در اندیشه‌های دبیران درس دین و زندگی وجود دارد یا خیر. به نظر می‌رسد این پژوهش می‌تواند به‌عنوان گامی اولیه برای امکان‌سنجی آرمان تغییرات بنیادین و ساختاری (یا به تعبیری ساختار شکنانه) در آموزش منتهی به تربیت دینی باشد؛ بنابراین این پژوهش درصدد است به سؤالات ذیل پاسخ دهد.

سوالات پژوهش

- ۱- از دیدگاه دبیران درس دین و زندگی، مهمترین آسیب‌های تربیت دینی در دانش‌آموزان کدامند؟
- ۲- دبیران دین و زندگی در ارتباط با تأثیر رسمیت در تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش چه تجاربی دارند و چه راهکارهایی برای رسمیت‌زدایی ارائه می‌دهند؟
- ۳- دبیران دین و زندگی در ارتباط با تأثیر تمرکز در تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش چه تجاربی دارند و چه راهکارهایی برای تمرکززدایی ارائه می‌دهند؟

روش پژوهش

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر شیوه پژوهش کیفی و از رویکرد پدیدارشناسی^۱ است. در روش پدیدارشناسی تجربیات، برداشتها و احساسات افراد مورد مطالعه قرار می‌گیرد. جامعه آماری پژوهش شامل تمامی دبیران دین و زندگی مقطع متوسطه شهرستان بهشهر استان مازندران در سال تحصیلی (۱۳۹۵-۹۶) است که از بین آنها با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند، ۲۱ دبیر دین و زندگی به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده‌اند.

برای جمع‌آوری اطلاعات در این تحقیق از روش مصاحبه نیمه‌سازمان‌یافته استفاده شده است. مصاحبه از روش‌های شناخته شده‌ای است که به‌هنگام جمع‌آوری داده‌ها به‌صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد (مارشال و راسمن^۲، ۱۳۸۱؛ به نقل از شمشی^۳، ۱۳۹۰). در این مطالعه، سؤال‌های کلی از قبل طراحی شده و اطلاعات مورد نظر از مصاحبه‌شوندگان (دبیران) پیرامون تأثیر دو عامل تمرکز و رسمیت در ساختار نظام آموزش و پرورش بر تربیت دینی دانش‌آموزان، به دست آمده است. تجزیه و تحلیل داده‌های به دست آمده با استفاده از روش ۷ مرحله‌ای «کلایزی^۳» (خواندن دقیق تمامی توصیف‌ها و یافته‌های مهم شرکت‌کنندگان، استخراج عبارات بااهمیت و جملات مرتبط با پدیده، مفهوم‌بخشی به جملات مهم استخراج شده، مرتب‌سازی توصیفات شرکت‌کنندگان و مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص، تبدیل تمامی عقاید استنتاج شده به توصیفات جامع و کامل، تبدیل توصیفات کامل پدیده به یک توصیف واقعی خلاصه و مختصر، مراجعه به شرکت‌کنندگان برای روشن کردن ایده‌های به دست آمده و موثق کردن یافته‌ها) انجام شده است.

-
- 1- Phenomenology
 - 2- Marshall and Rassman
 - 3- Colizzi

یافته‌های پژوهش

سؤال اول پژوهش

۱- از دیدگاه دبیران درس دین و زندگی، مهمترین آسیب‌های تربیت دینی در دانش‌آموزان کدامند؟ در این پژوهش پس از ارزیابی مصاحبه‌ها، موضوع‌ها استخراج شده و با انجام مقایسه مستمر بین داده‌ها، موضوعاتی که با یکدیگر همپوشانی داشتند، ذیل یک عنوان قرار داده شدند. همان‌گونه که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، ۱۴ مؤلفه به‌عنوان مهمترین زمینه‌های آسیب‌های تربیت دینی در دانش‌آموزان از نظرات مصاحبه‌شوندگان استخراج شده است.

جدول ۱: مؤلفه‌های مرتبط با آسیب‌های تربیت دینی در دانش‌آموزان و فراوانی آن‌ها از دیدگاه دبیران دین و زندگی

ردیف	مؤلفه‌ها	فراوانی
۱	ضعیف بودن محتوای برنامه درسی	۸
۲	استفاده نکردن از روش‌های فعال تدریس و تأکید بر استفاده از روش‌های سنتی تدریس	۱۷
۳	ضعف و ناکارآمدی مربیان پرورشی مدارس	۸
۴	صلاحیت نداشتن برخی از دبیران	۱۶
۵	تهاجم فرهنگی بیگانگان	۹
۶	نبود سیستم نظارتی بر فرایند تربیت دینی در مدارس	۱۵
۷	ضعف در گزینش و استخدام معلمان ماهر برای دروس دینی	۱۶
۸	جداسازی برنامه‌های تربیت دینی از سایر برنامه‌های درسی	۱۲
۹	توجه نداشتن به تفاوت‌های منطقه‌ای و محلی	۱۴
۱۰	نقش ضعیف صدا و سیما و دستگاه‌های رسانه‌ای	۶
۱۱	استفاده ناکافی از روحانیون و مبلغان دینی در فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان	۴
۱۲	امر و نهی زیاد و سخت‌گیری معلمان در لقاء مسائل دینی	۹
۱۳	کم‌توجهی به میزان توانایی و مراحل رشد دانش‌آموزان در فرایند تربیت دینی	۱۳
۱۴	محدودیت امکانات آموزشی و کمک‌آموزشی در مدارس	۱۰

نتایج جدول شماره ۱ بیانگر آن است که از دیدگاه دبیران مهمترین زمینه‌های آسیب‌زای تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش کشور به ترتیب استفاده نکردن از روش‌های فعال تدریس و تأکید بر استفاده از روش‌های سنتی تدریس، ضعف در گزینش و استخدام معلمان ماهر برای دروس دینی، صلاحیت نداشتن برخی از دبیران، نبود سیستم نظارتی بر فرایند تربیت دینی در مدارس، توجه نداشتن به تفاوت‌های منطقه‌ای و محلی، کم‌توجهی به میزان توانایی و مراحل رشد دانش‌آموزان در

فرایند تربیت دینی، جداسازی برنامه‌های تربیت دینی از سایر برنامه‌های درسی، محدودیت امکانات آموزشی و کمک‌آموزشی در مدارس، امر و نهی زیاد و سخت‌گیری معلمان در القای مسائل دینی، تهاجم فرهنگی بیگانگان، ضعف و ناکارآمدی مربیان پرورشی مدارس، ضعیف بودن محتوای برنامه درسی، نقش ضعیف صدا و سیما و دستگاه‌های رسانه‌ای و استفاده ناکافی از روحانیون و مبلغان دینی در فرایند تربیت دینی دانش‌آموزان است.

سؤال دوم پژوهش

۲- دبیران دین و زندگی در ارتباط با تأثیر رسمیت در تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش چه تجربی دارند و چه راهکارهایی برای کاهش رسمیت ارائه می‌دهند؟

جدول ۲: تجرب دبیران دین و زندگی از رسمیت و کاهش رسمیت برنامه درسی تربیت دینی

ردیف	مؤلفه	فراوانی
۱	قابلیت بالای نظام رسمی تربیت دینی در تحقق اهداف تربیت دینی	۴
۲	آمادگی بالای دانش‌آموزان در نظام رسمی تربیت دینی برای یادگیری مسائل دینی	۲
۳	نبود رغبت و انگیزه کافی در معلمان برای تدریس دروس دینی	۲۱
۴	بی‌انگیزگی دانش‌آموزان در ساعات رسمی تدریس دروس دینی	۱۹
۵	استرس و اضطراب دانش‌آموزان در کلاس درس به دلیل رسمیت برنامه درسی تربیت دینی	۷

نتایج جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که دبیران در ۴ مورد، نظام آموزش و پرورش رسمی کشور را دارای قابلیت بالایی در تحقق اهداف تربیت دینی می‌دانند و در ۲ مورد اعتقاد به آمادگی بالای دانش‌آموزان در نظام رسمی تربیت دینی برای یادگیری مسائل دینی دارند. همچنین در ۲۱ مورد اظهار کرده‌اند که معلمان دروس دینی در ساعات رسمی تدریس دروس دینی، رغبت و انگیزه کافی ندارند. در ۱۹ مورد بیان کرده‌اند که دانش‌آموزان در نظام رسمی آموزش و پرورش رغبت و انگیزه کافی برای حضور در کلاس و یادگیری مسائل دینی ندارند و در ۷ مورد به استرس و اضطراب دانش‌آموزان در کلاس درس کتب دینی اشاره کرده‌اند.

جدول ۳: راهکارهای کاهش رسمیت برنامه درسی تربیت دینی از دیدگاه دبیران دین و زندگی

ردیف	مؤلفه	فراوانی
۱	استفاده از منابع کمک‌آموزشی و کمک‌درسی برای تدریس دروس دینی	۲۰
۲	استفاده از روحانیون و مبلغان دینی برای تربیت دینی غیر از ساعات رسمی	۱۱
۳	کم‌رنگ کردن کمیت و پررنگ کردن کیفیت یادگیری در دروس دینی	۱۶
۴	برگزاری کلاس‌های فوق‌العاده در زمینه تربیت دینی بدون اجبار	۱۹

در ارتباط با راهکارهای کاهش رسمیت برنامه درسی تربیت دینی، دبیران به ترتیب بر استفاده از منابع کمک‌آموزشی و کمک‌درسی برای تدریس دروس دینی، برگزاری کلاس‌های فوق‌العاده در زمینه تربیت دینی، کم‌رنگ کردن کمیت و تأکید بر کیفیت یادگیری در دروس دینی و استفاده از روحانیون و مبلغان دینی برای تربیت دینی غیر از ساعات کلاسی، به‌عنوان مهمترین راهکارهای کاهش رسمیت برنامه درسی تربیت دینی، تأکید کرده‌اند.

سؤال سوم پژوهش

۳- دبیران دین و زندگی در ارتباط با تأثیر تمرکز در تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش چه تجاربی دارند و چه راهکارهایی برای کاهش تمرکز برنامه‌های درسی تربیت دینی ارائه می‌دهند؟

جدول ۴: تجارب دبیران دین و زندگی از تمرکز و کاهش تمرکز برنامه درسی تربیت دینی

ردیف	مؤلفه	فراوانی
۱	موفقیت نداشتن برنامه‌های درسی تربیت دینی	۲۲
۲	کاهش نارضایتی‌های قومی و منطقه‌ای	۱۹
۳	انطباق نداشتن محتوا و مفاهیم کتاب با روحیات باورها و توانایی‌های دانش‌آموزان که منجر به بروز بی‌نظمی و بی‌انضباطی می‌شود.	۱۸
۴	توجه نداشتن به تفاوت‌های فردی که باعث کاهش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری و در نتیجه کاهش میزان یادگیری می‌شود.	۱۶
۵	غیر قابل فهم بودن محتوا به دلیل تناسب نداشتن با تفاوت‌های فردی	۱۶
۶	توجه به کمیت به جای کیفیت و کسب معرفت دینی	۱۳

نتایج جدول شماره ۴ نشان می‌دهد که دبیران در ۲۲ مورد نظام آموزش و پرورش متمرکز کشور را در عرصه تربیت دینی ناموفق می‌دانند. در ۱۹ مورد کاهش نارضایتی‌های قومی و منطقه‌ای را از

پیامدهای نظام آموزش و پرورش و برنامه درسی تربیت دینی متمرکز ذکر کرده‌اند. در ۱۸ مورد اظهار داشته‌اند که انطباق نداشتن محتوا و مفاهیم کتاب‌های درسی دینی با روحیات، باورها و توانایی‌های بسیاری از دانش‌آموزان، یکی از نتایج منفی نظام متمرکز برنامه درسی تربیت دینی است. در ۱۶ مورد توجه نداشتن به تفاوت‌های فردی در نظام متمرکز برنامه درسی تربیت دینی را باعث کاهش مشارکت دانش‌آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری و در نتیجه کاهش میزان یادگیری ذکر کرده‌اند. در ۱۶ مورد نیز اظهار داشته‌اند که یکی دیگر از پیامدهای نامطلوب نظام متمرکز، غیر قابل فهم بودن محتوا به دلیل تناسب نداشتن با تفاوت‌های فردی است. همچنین دبیران بیان کرده‌اند که تمرکز نظام آموزش و پرورش کشور باعث توجه بیشتر به کمیت به جای توجه به کیفیت و معرفت دینی در برنامه درسی تربیت دینی شده است.

جدول ۵: راهکارهای کاهش تمرکز برنامه درسی تربیت دینی از دیدگاه دبیران

ردیف	مؤلفه	فراوانی
۱	اعطای اختیارات بیشتر به مسئولان ناحیه‌ها و استان‌های کشور	۲۲
۲	اصلاح و تجدید نظر روش‌های تدریس و محتوا: دادن آزادی عمل به دبیران در انتخاب محتوا و روش‌های تدریس به جای استفاده همه دبیران از یک کتاب اصلی و یک کتاب راهنمای تدریس	۲۱
۳	فرصت ابتکار عمل بیشتر به مدیران و معلمان در برنامه‌های درسی تربیت دینی	۱۷
۴	پرهیز از یک‌جانبه‌نگری در تربیت دینی	۱۹
۵	مشارکت دادن والدین در فرایند برنامه‌ریزی درسی تربیت دینی در مدارس	۱۴
۶	مشارکت دانش‌آموزان در فرایند برنامه‌ریزی درسی مدارس در تربیت دینی	۱۱

در ارتباط با راهکارهای کاهش تمرکز برنامه درسی تربیت دینی، دبیران به ترتیب در ۲۲ مورد به اعطای اختیارات بیشتر به مسئولان ناحیه‌ها و استان‌های کشور، در ۲۱ مورد به اصلاح و تجدیدنظر روش‌های تدریس و محتوا، آزادی عمل دبیران در انتخاب محتوا و روش‌های تدریس به جای استفاده همه دبیران از یک کتاب اصلی و یک کتاب راهنمای تدریس، در ۱۹ مورد به پرهیز از یک‌جانبه‌نگری در تربیت دینی، در ۱۷ مورد به ارائه فرصت ابتکار عمل بیشتر به مدیران و معلمان در برنامه‌های درسی تربیت دینی، در ۱۴ مورد به مشارکت والدین در فرایند برنامه‌ریزی درسی تربیت دینی در مدارس و در ۱۱ مورد به مشارکت دانش‌آموزان در فرایند برنامه‌ریزی درسی مدارس در امر تربیت دینی، به‌عنوان مهمترین و مطلوب‌ترین راهکارهای کاهش تمرکز برنامه درسی تربیت دینی اشاره کرده‌اند.

بحث و نتیجه‌گیری

در مجموع با توجه به یافته‌های پژوهش، به نظر می‌رسد نظام آموزش و پرورش رسمی کشور به دلیل ماهیت رسمی و فرهنگ حاکم بر آن، اندیشه‌ها و تفکرات دبیران را طوری شکل داده که آن‌ها تا حد زیادی رسمیت و تمرکز را که به گواه صاحب‌نظران، محققان و متخصصان حوزه تربیت دینی - همان‌طور که در بیان مسئله و پیشینه پژوهش حاضر اشاره شد - در زمره ضعف‌های ساختاری نظام آموزش و پرورش کشور در امر تربیت دینی هستند، نادیده گرفته‌اند. دبیران مذکور برخلاف دیدگاه‌های صاحب‌نظران و محققان، به تحقق اهداف تربیت دینی از طریق اصلاح شرایط درونی آموزش و پرورش نظیر نظارت بر استخدام و گزینش نیروی انسانی، کنترل و نظارت بیشتر مسئولان آموزش و پرورش بر کار دبیران دینی، رسیدگی به مشکلات شغلی و معیشتی دبیران و معلمان، اصلاح برنامه‌های درسی محتوا و روش‌های تدریس دبیران و... امیدوارند. از میان دو مانع تمرکز و رسمیت در ساختار برنامه‌های درسی تربیت دینی در نظام آموزش و پرورش، دبیران بیشتر بر مشکلات ناشی از تمرکز اشاره دارند. حتی از برخی اظهاراتشان مشخص می‌شود که از مفهوم رسمیت و تمرکز هم برداشت‌های تقریباً مشابهی دارند؛ کما اینکه برخی از راهکارهای ارائه شده توسط آن‌ها برای رسمیت‌زدایی در امر تربیت دینی، مربوط به مشکلات ناشی از تمرکز است. بنابراین می‌توان اینگونه استنباط کرد که دبیران رغبت بیشتری به کاهش تمرکز و تمرکززدایی در تربیت دینی دارند. شاید آن‌ها به دلیل حفظ اقتدار خود در کلاس‌های درس، اعتقادی به حذف نمره و حذف کلاس در درس دین و زندگی و همچنین تأکید بر کیفیت به جای کمیت، به‌عنوان مصادیقی از تمرکززدایی ندارند و همچنین به تغییر موقعیت خود در مدارس از مدرس به مشاور دینی علاقه‌ای نشان نمی‌دهند.

به‌طور کلی از اظهارات دبیران دین و زندگی می‌توان استنباط کرد که آن‌ها به تمرکز و رسمیت نظام آموزشی در امر تربیت دینی به‌عنوان یک مانع و یک معضل نگاه نمی‌کنند. این امر نشان دهنده این است که برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران تربیت دینی در صورت تصمیم‌گیری برای کاهش تمرکز و رسمیت در زمینه تربیت دینی با ایده‌ها و اندیشه‌های سنتی دبیران دین و زندگی که اعتقاد چندانی به کاهش تمرکز و رسمیت برنامه‌های درسی تربیت دینی در راستای اثربخشی بیشتر و تحقق اهداف تربیت دینی ندارند، روبه‌رو هستند. بنابراین یکی از مهمترین و نخستین رسالت‌های مسئولان و برنامه‌ریزان کلان آموزش و پرورش در عرصه برنامه‌های درسی تربیت دینی، فراهم کردن زمینه‌های تغییر نگرش و تفکر دبیران دین و زندگی و همچنین افزایش آگاهی آن‌ها از معضلات ساختاری،

یعنی رسمیت و تمرکز در نظام آموزشی کشور است که در این صورت بستر و فضای بهتری برای کاهش تمرکز و رسمیت در راستای تحقق و اثربخشی اهداف تربیت دینی فراهم خواهد شد. با توجه به مشکلات و آسیب‌های ناشی از تمرکز و رسمیت در برنامه‌های درسی تربیت دینی، به مسئولان و برنامه‌ریزان وزارت آموزش و پرورش توصیه می‌شود راهکارهای مؤثری را در راستای کاهش تمرکز و رسمیت برای نیل به اهداف تربیت دینی دانش‌آموزان به کار گیرند. همچنین می‌توان در پژوهش‌های مشابه به بررسی دیدگاه‌های دانش‌آموزان، والدین و متخصصان برنامه درسی درباره نقش تمرکز و رسمیت در عرصه برنامه درسی تربیت دینی و راهکارهای اساسی برای کاهش تمرکز و رسمیت در برنامه درسی تربیت دینی پرداخت.



منابع

- اسکندری، ح. (۱۳۸۳). تربیت پنهان. تهران: تزکیه.
- بناری، ه. (۱۳۸۰). نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش. نشریه پژوهش‌های تربیت اسلامی، ۶(۱)، ۱۸۶-۱۷۱.
- زیدی، م. (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر روش‌های تحقیق کیفی و تحلیل کیفی داده‌ها [جزوه درسی]. شیراز: انتشارات دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی.
- سعیدی رضوانی، م. (۱۳۸۰). تبیین برنامه درسی پنهان در درس بینش اسلامی دوره متوسطه. پایان‌نامه دکترای رشته برنامه‌ریزی درسی، دانشگاه تربیت معلم تهران.
- سعیدی رضوانی، م. (۱۳۸۶). آموزش و پرورش کشورهای اسلامی با تأکید بر نقش توسعه‌ای (ضرورت تمرکززدایی در قلمرو تربیت دینی - اخلاقی). همایش ملی نقش اصفهان در توسعه فرهنگ و تمدن اسلامی.
- سعیدی رضوانی، م. (۱۳۸۹). تقلیدی بر روش‌های تربیت دینی با تأکید بر برنامه درسی پنهان. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- سعیدی رضوانی، م. و بینقی، ت. (۱۳۸۰). تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی. مجموعه مقالات تربیت اسلامی: ویژه آسیب‌شناسی تربیت دینی. قم: مرکز مطالعات تربیت اسلامی.
- سعیدی رضوانی، م.، و امین خندقی، م. (۱۳۸۰). ارزشیابی برون‌داد حیطه عاطفی برنامه‌درسی دین و زندگی دوره متوسطه. گامی در مسیر تربیت اسلامی. تهران: آگاه.
- سعیدی رضوانی، م.، باغکلی، ح.، و امین خندقی، م. (۱۳۸۶). بررسی وضع موجود تربیت دینی - اخلاقی دانش‌آموزان و ارزیابی آن براساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش. تهران: وزارت آموزش و پرورش.
- شمشیری، ب.، و نوذری، م. (۱۳۹۰). آسیب‌شناسی تربیت دینی کودکان مقطع پیش‌دبستانی از نظر متخصصان علوم تربیتی، روانشناسی، علوم دینی، ادبیات کودک و مربیان پیش‌دبستانی، دو فصلنامه علمی پژوهشی تربیت اسلامی، ۶(۱۲)، ۷۳-۵۱.
- صفایی حائری، ع. (۱۳۷۹). مسئولیت و سازندگی. قم: انتشارات هجرت.
- عصاره، ع. (۱۳۸۲). کارکردهای فعلی آموزش و پرورش کشورمان در تربیت دینی. مجموعه مقالات همایش آسیب‌شناسی تربیت دینی در آموزش و پرورش (جلد دوم)، تهران: محراب قلم.

کریمی، ع. (۱۳۸۰). دین‌دهی یا دین‌یابی. نشریه پژوهش‌های تربیت اسلامی، ۶(۱)، ۶۱-۷۲.
لطف‌آبادی، ح. (۱۳۸۲). ساخت مقیاس سنجش هویت نوجوانان و جوانان ایرانی. پژوهش سازمان ملی جوانان.

محسن‌پور، ب. (۱۳۸۸). مبانی برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: سمت.
مشایخ، ف. (۱۳۸۷). دیدگاه‌های نو در برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: سمت.

Sanders, C. (2003). Application of Colizzi's method: Interpretation of an auditable decision trail by a novice researcher. *Contempt Nurse*, 14(3), 292-302.

